

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم

بدین بوم ویر زنده یک تن مباد
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Satire

طنز

ملک الشعراء
استاد محمد نسیم «اسیر»

گوشِ کر

(از خاطرات گذشته)

به دل تا جلوه گر آن ماه نو شد
سر زلفش بدست غیر دیدم
ز خاک شهر کهنه چون برآیم
من از حسرت بخود صد پیچ خوردم
ز من گوئید آن کاکه جوان را
نداری پول یک پوچکه در جیب
جهان بیدار گشت و مردم ما
به چوکی تا مقرر گشت مامور
که یک دم خانه ویرانه او
ندادم یک دوسه مهمانی اش من
کجا قصاب از قیمت فروشی
فضای کابل از بس پر ز خاک است
به خال هندویش، جانم گرو شد
جهان در چشم من یک باره شو شد
ترا منزل، بتا در شهر نو شد
سرگیسوی تو تا چپه تو شد
کجا کرتی و دستارت گرو شد
مگر صرف قمار چکه پو شد
یکی بعد دگر افتاده خو شد
پی رشوت چنان در تگ و دو شد
مجلل خانه ای در شهر نو شد
مدیر شعبه در جانم ببو شد
ز پا چون گوسپندی لکه تو شد
به چشمم روز روشن مثل شو شد

«اسیر» از گفتن بسیار بگذر

که دیدم گوش مردم ناشنو شد

(کابل عزیز - اسد ۱۳۳۰ هـ ش)